Qur'ān Shinākht _____ **2026, Vol. 18, No. 2, 123-137**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/qoranshenakht.2025.5004003

20.1001.1.20081987.1404.18.2.5.7

An Analysis of the Semantic System of Surah al-Kawthar in the Historical Context of Revelation

Zahra Jalali Shouredeli / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran Sepid.jalali1@gmail.com

Ali-Asghar Yazdani / Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian University, Tehran, Iran Aliasgharyazdani1967@gmail.com

Received: 2026/08/31 - **Accepted:** 2026/10/22

Abstract

Surah al-Kawthar is among the surahs that have always been debated by exegetes because of disagreement over the intended meaning of the word "al-Kawthar." Most interpretations, focusing on determining the referent, have proposed views such as the heavenly river, the pool, abundant good, prophethood, the Qur'an, intercession, and the progeny of the Messenger of God (PBUH), while the Qur'anic criterion for evaluating these referents has received less attention. The present study, using a descriptive-analytical method and drawing on lexical, contextual, historical, and syntactic analysis, reconstructs the semantic system of Surah al-Kawthar. The findings show that the structure of the surah, in light of the contrast between "al-Kawthar" and "al-Abtar," is not merely a response to the mockery of the polytheists; rather, it reflects a critique of the value system of jahili society, which defined survival and status in terms of numerical multiplicity, male offspring, and continuity of lineage. On the basis of this analysis, "Kawthar" denotes a divine gift that combines the components of good, abundance, and continuity. Within this framework, Fatimah al-Zahra (PBUH) is more consistent than other referents with the concept of "Kawthar" and with the apparent meaning of the verses, the context of the surah, and the atmosphere of its revelation; the continuation of the prophetic lineage, the survival of the Ahl al-Bayt, and the extension of the mission are among its effects and fruits, not the reality of "Kawthar" itself.

Keywords: Surah al-Kawthar, Kawthar, Abtar, Fatimah al-Zahra (PBUH), jahili culture.

قرآن‌شناخت ـــــــــــــــــــ سال هجدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ص ۱۲۳-۱۳۷
https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0
doi 10.22034/qoranshenakht.2025.5004003
dor 20.1001.1.20081987.1404.18.2.5.7

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل نظام معنایی سورهٔ کوثر در بستر تاریخی نزول

زهرا جلالی شوره‌دلی / استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Sepid.jalali1@gmail.com
علی‌اصغر یزدانی / استادیار، گروه آموزش معارف، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Aliasgharyazdani1967@gmail.com
دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۷/۳۰

چکیده

سورهٔ کوثر ازجمله سوره‌هایی است که به‌سبب اختلاف در تعیین مراد واژهٔ «الکوثر»، همواره محل بحث مفسران بوده است. بیشتر تفاسیر با تمرکز بر تعیین مصداق، دیدگاه‌هایی همچون نهر بهشتی، حوض، خیر کثیر، نبوت، قرآن، شفاعت و ذریهٔ رسول خدا ﷺ را مطرح کرده‌اند؛ درحالی‌که معیار قرآنی ارزیابی این مصادیق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل لغوی، سیاقی، تاریخی و نحوی به بازسازی نظام معنایی سورهٔ کوثر می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار سوره در پرتو تقابل «الکوثر» و «الأبتر»، صرفاً در مقام پاسخ به طعن مشرکان نیست، بلکه بازتاب‌دهندهٔ نقد نظام ارزشی جامعهٔ جاهلی است که بقا و منزلت را در کثرت نفرات، فرزند ذکور و استمرار نسب تعریف می‌کرد. بر پایهٔ این تحلیل «کوثر» بر عطیه‌ای الهی دلالت دارد که مؤلفه‌های خیر، کثرت و استمرار را در خود جمع کرده است. در پرتو این چارچوب حضرت فاطمهٔ زهرا ﷺ بیش از دیگر مصادیق با مفهوم «کوثر» و با توجه به ظاهر آیات، سیاق سوره و فضای نزول آن هماهنگی دارد و استمرار نسل نبوی، بقای اهل‌بیت ﷺ و امتداد رسالت از آثار و ثمرات آن به‌شمار می‌آید، نه حقیقت «کوثر».

کلیدواژه‌ها: سورهٔ کوثر، کوثر، ابتر، حضرت فاطمهٔ زهرا ﷺ، فرهنگ جاهلی.

مقدمه

سورهٔ کوثر از دیرباز یکی از مناقشه‌برانگیزترین سوره‌های قرآن در حوزهٔ تفسیر بوده است. منشأ اصلی این اختلاف، ابهام در تعیین مراد واژهٔ «الکوثر» است. مفسران در طول تاریخ مصادیق متعددی برای این واژه برشمرده‌اند؛ ازجمله نهری در بهشت، حوض پیامبرﷺ، خیر کثیر، نبوت، قرآن، علم، شفاعت و ذریهٔ رسول خداﷺ که از طریق حضرت فاطمهؑ استمرار یافته است. هر یک از این دیدگاه‌ها بر روایات، قرائن یا مبانی تفسیری خاصی استوار است؛ اما اختلاف گسترده میان آنها نشان می‌دهد که مسئلهٔ «کوثر» همچنان نیازمند بازخوانی روشمند بر اساس مجموعه قرائن قرآنی، لغوی و تاریخی است.

بررسی این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که بخش عمدهٔ پژوهش‌های تفسیری، مسئله را در سطح تعیین مصداق دنبال کرده‌اند و کمتر به این پرسش بنیادین پرداخته‌اند که چرا خداوند در شرایط خاص نزول سوره از تعبیر «الکوثر» استفاده کرده و این عطیهٔ الهی چه نسبتی با فضای فرهنگی و اجتماعی عصر جاهلیت دارد. درنتیجه عناصر مهمی همچون ساختار درونی سوره، تقابل معنایی «الکوثر» و «الأبتر»، چگونگی تبیین این دو واژه در منابع لغوی و زمینهٔ تاریخی نزول، غالباً در خدمت اثبات یک مصداق قرار گرفته‌اند، نه در مقام تبیین پیام و کارکرد سوره.

از سوی دیگر، مطالعهٔ فضای تاریخی عصر نزول نشان می‌دهد که مسئلهٔ اصلی، صرف فقدان فرزند پسر نبود، بلکه جامعهٔ جاهلی، بقا، عزت و منزلت اجتماعی را بر پایهٔ فرزند ذکور، استمرار نسب، قدرت قبیله و کثرت نفرات تعریف می‌کرد. بر همین اساس نسبت دادن عنوان «أبتر» به پیامبر اکرمﷺ تنها توصیف یک وضعیت خانوادگی نبود، بلکه داوری درباره آینده رسالت و انقطاع تاریخی آن نیز به‌شمار می‌رفت. در چنین بستری، سورهٔ کوثر نه‌تنها پاسخی به این طعن، بلکه نقدی بنیادین بر نظام ارزشی جاهلی و بازتعریفی از مفاهیم بقا، کرامت، خیر و استمرار ارائه می‌دهد.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که مفهوم «الکوثر» چه جایگاهی در نظام معنایی سورهٔ کوثر دارد و این مفهوم چگونه به بازسازی و وارونه‌سازی معیارهای ارزشی جامعه جاهلی می‌انجامد؟ همچنین این پرسش مطرح است که با توجه به نحوهٔ تبیین دو واژهٔ «کوثر» و «أبتر» در منابع لغوی، ظاهر و سیاق آیات و پیش‌زمینهٔ تاریخی و اجتماعی نزول کدام‌یک از دیدگاه‌های تفسیری درباره مصداق «کوثر» با این نظام معنایی بیشترین انطباق را دارد؟

این پژوهش با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر تحلیل‌های لغوی، سیاقی، تاریخی ـ اجتماعی و نحوی آیهٔ «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» در پی بازسازی نظام معنایی سورهٔ کوثر است. سپس با بررسی تبیین دو واژهٔ «کوثر» و «أبتر» در منابع لغوی و تطبیق آن با قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، معیارهای قرآنی ارزیابی مصادیق «کوثر» را استخراج کرده و بر پایهٔ این معیارها، دیدگاه‌های تفسیری را از نظر میزان انطباق با ساختار سوره و فضای فرهنگی ـ اجتماعی عصر نزول مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

فرضیهٔ پژوهش

این پژوهش بر این فرض استوار است که تعیین مصداق «الکوثر» بدون تحلیل نظام معنایی سوره و بازسازی بستر تاریخی و اجتماعی عصر نزول به نتیجه‌ای روشمند و قابل اتکا نمی‌انجامد. ازاین‌رو ارزیابی دیدگاه‌های تفسیری درباره «کوثر» باید بر پایهٔ مجموعه‌ای از قرائن شامل ظاهر و سیاق آیات، پیش‌زمینهٔ تاریخی و اجتماعی نزول و تبیین دو واژهٔ «کوثر» و «أبتر» در منابع لغوی صورت گیرد؛ زیرا تنها از رهگذر همنشینی این قرائن می‌توان معیارهای قرآنی لازم برای سنجش و ارزیابی مصادیق پیشنهادی را استخراج کرد.

بر این اساس، فرضیهٔ پژوهش آن است که بازسازی نظام معنایی سورهٔ کوثر، امکان ارزیابی انتقادی دیدگاه‌های تفسیری درباره مصداق «کوثر» را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد مصداقی با ساختار سوره سازگارتر است که افزون بر انطباق با هسته معنایی واژه، با سیاق آیات و فضای فرهنگی ـ اجتماعی عصر نزول نیز هماهنگ باشد. ازاین‌رو در این پژوهش، تعیین مصداق نه نقطه آغاز تفسیر، بلکه نتیجهٔ تحلیل هماهنگ قرائن لغوی، سیاقی و تاریخی است.

برای آزمون این فرضیه، شواهد پژوهش در چهار محور بررسی می‌شود:

ـ تحلیل ظاهر و سیاق آیات سورهٔ کوثر؛

ـ تحلیل پیش‌زمینهٔ تاریخی و اجتماعی عصر نزول؛

ـ تبیین دو واژهٔ «کوثر» و «أبتر» در منابع لغوی و دلالت‌های آن در فهم سوره؛

ـ ارزیابی انتقادی دیدگاه‌های تفسیری درباره مصداق «کوثر».

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ تفسیر سورهٔ کوثر و تعیین مراد از واژهٔ «الکوثر» پژوهش‌های متعددی انجام شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به این مسئله پرداخته‌اند.

مقالهٔ «تفسیر تطبیقی روایی سورهٔ کوثر از دیدگاه مفسران فریقین» (رستم‌نژاد و جبریلی، ۱۳۹۹) با رویکرد تطبیقی و بر پایهٔ روایات شیعه و اهل‌سنت به بررسی مفاهیم و واژگان سوره ازجمله «الکوثر» پرداخته و با مقایسهٔ روایات تفسیری کوشیده است نقاط اشتراک و اختلاف دیدگاه‌های فریقین را تبیین کند. در مقالهٔ «تطور تاریخی دیدگاه مفسران در تفسیر واژهٔ کوثر» (شریفی‌دوست، ۱۴۰۰) روند تاریخی تحول آرای تفسیری درباره واژهٔ «کوثر» از تفاسیر نخستین تا دوره معاصر بررسی شده است. نویسنده نشان می‌دهد که تفسیر «کوثر» به کثرت نسل پیامبرﷺ و انتساب آن به حضرت فاطمه‌ؑ به‌تدریج جایگاه برجسته‌تری در میان مفسران یافته است.

مقالهٔ «بررسی مصداق کوثر در سورهٔ کوثر در تفاسیر روایی شیعه و سنی» (قضایی و همکاران، ۱۳۹۸) با بررسی روایات تفسیری و تطبیق آنها با شواهد تاریخی به این نتیجه رسیده است که حضرت فاطمه‌ؑ مصداق «کوثر» در زمان نزول سوره بوده و استمرار نسل پیامبر اکرمﷺ از طریق ایشان تحقق یافته است. نوآوری این پژوهش در

گردآوری، ارزیابی و مقایسهٔ روایات تفسیری فریقین و استناد به شواهد تاریخی برای تقویت این دیدگاه است. همچنین مقالهٔ «واکاوی مصداق الکوثر هنگام نزول سورهٔ کوثر در تفاسیر عقلی فریقین» (حسینی نودادی و مرادی علیعربی، ۱۴۰۲) با بهره‌گیری از تفاسیر عقلی، شأن نزول، سیاق آیات و شرایط تاریخی مکه، حضرت فاطمهؑ را مصداق اتم «کوثر» معرفی کرده و استمرار نسل پیامبر اکرمﷺ از طریق ایشان را مهم‌ترین حکمت این عطیهٔ الهی دانسته است.

در مقالهٔ «بررسی تطبیقی تفاسیر معاصر فریقین قرن ۱۴ و ۱۵ در مفهوم کوثر» (حقی و همکاران، ۱۴۰۳) نیز آرای مفسران معاصر شیعه و اهل‌سنت درباره مفهوم «کوثر» بررسی شده و نشان داده شده است که بیشتر مفسران ضمن پذیرش معنای لغوی «خیر کثیر»، مصادیقی چون نبوت، قرآن، ولایت، نهر بهشتی و ذریهٔ پیامبرﷺ را برای آن مطرح کرده‌اند.

با وجود ارزش علمی این پژوهش‌ها، محور اصلی آنها تبیین مفهوم یا تعیین مصداق «کوثر» است. هرچند در برخی از این آثار به سیاق سوره، شأن نزول یا فضای تاریخی نیز اشاره شده، این عناصر عمدتاً در خدمت تقویت یک دیدگاه تفسیری قرار گرفته‌اند و کمتر به‌عنوان مؤلفه‌هایی برای بازسازی نظام معنایی سوره و تحلیل کارکرد آن در بستر فرهنگی و اجتماعی عصر نزول بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر با وجود بهره‌گیری از دستاوردهای تحقیقات پیشین، مسئله را از منظری متفاوت دنبال می‌کند. بر خلاف پژوهش‌های پیشین که محور اصلی آنها تعیین مصداق «کوثر» یا گزارش تطور اقوال تفسیری بوده است، این مقاله می‌کوشد پیش از ورود به بحث مصداق، نظام معنایی سوره را بر پایهٔ قرائن درون‌متنی و برون‌متنی بازسازی کند و نسبت میان مفاهیم «کوثر» و «أبتر» را در بستر تاریخی و فرهنگی عصر نزول تبیین نماید. در این چارچوب، ارزیابی دیدگاه‌های تفسیری نه نقطهٔ آغاز پژوهش، بلکه مرحله‌ای پس از تحلیل معنایی و سیاقی سوره است؛ ازاین‌رو مصداق «کوثر» بر اساس مجموعهٔ این قرائن مورد سنجش قرار می‌گیرد، نه صرفاً بر پایهٔ نقل روایات یا اقوال مفسران.

۱. بررسی آرای لغویان درباره «کوثر» و «أبتر» و دلالت‌های آن در فهم سورهٔ کوثر

بررسی آرای لغویان به ترتیب تاریخی نشان می‌دهد که تبیین معنای کوثر از یک تعریف بنیادین و ناظر به اصل ماده به سوی تحلیلی نظام‌مند از ساختار معنایی آن حرکت کرده است. فراهیدی مادهٔ «ک ث ر» را بر اصل فزونی و زیادی در برابر قلّت استوار می‌کند و بدین‌ترتیب همهٔ مشتقات این ریشه را بر محور غلبه بر نقصان تحلیل می‌نماید (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۵، ص۳۴۹). ابن‌درید نیز همین اصل را استمرار بخشیده و بدون افزودن مؤلفه‌ای جدید، کثرت را هستهٔ مرکزی معنا می‌داند (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج۲، ص۱۱۷۴). در این مرحله کوثر هنوز مفهومی صرفاً ناظر به فراوانی است.

تفسیر الکوثر به خیر کثیر پیش‌تر در روایات تفسیری، به‌ویژه از ابن‌عباس نقل شده است (فراء، ۱۹۸۰، ج۳، ص۲۹۵؛ ابن‌قتیبه، بی‌تا، ج۱، ص۴۷۴؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص۵۱۷). ازهری نیز با تأثر از این سنت تفسیری،

کوثر را بر خیر فراوان حمل کرده و این معنا را ثبت کرده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج۱۰، ص۱۰۲). بدین‌ترتیب از قرن چهارم به بعد در تبیین کاربرد قرآنی کوثر و در منابع لغوی مؤلفهٔ خیر در کنار کثرت مورد توجه قرار گرفت.

ابن‌فارس با رویکرد ریشه‌شناختی، این تحلیل را منسجم‌تر می‌سازد. وی همهٔ استعمالات مادهٔ «کثر» را به اصل واحد فزونی در برابر قلت بازمی‌گرداند و نشان می‌دهد که اختلاف کاربردها ناشی از تفاوت مصادیق است، نه اختلاف در اصل معنا. ازاین‌رو اطلاق این واژه بر خیر فراوان، شخص بسیار بخشنده یا حتی غبار متراکم، همگی بر محور غلبه و فزونی قابل تحلیل‌اند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۵، ص۱۶۰ـ۱۶۱).

در برخی منابع لغوی، ذیل ماده کثر به رابطهٔ میان کثرت و دوام نیز اشاره شده است. ثعلب در تفسیر عبارت قرآنی «وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَثِيرًا»، «لعنًا کثیراً» را به «دُمْ علیه» تفسیر کرده و در توضیح آن می‌گوید: «لأنه إذا دام علیه کثر»؛ یعنی استمرار یک امر موجب فزونی و کثرت آن می‌شود (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج۶، ص۷۹۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص۱۳۲). این بیان بیش از آنکه به توسعهٔ معنای لغوی ماده مورد بحث ناظر باشد، رابطه‌ای میان دوام و تحقق کثرت را در مقام تبیین یکی از کاربردهای قرآنی این ماده نشان می‌دهد. ازاین‌رو نمی‌توان «استمرار» را مؤلفه‌ای مستقل در معنای لغوی کوثر دانست، هرچند این تحلیل می‌تواند در فهم برخی کاربردهای قرآنی آن راهگشا باشد.

در همین راستا مصطفوی نیز همهٔ مشتقات مادهٔ «کثر» را به مفهوم محوری فزونی در برابر قلت بازمی‌گرداند و تفاوت معانی مشتقات را ناشی از ویژگی‌های قالب‌های صرفی می‌داند. بر این مبنا کوثر در وزن فوعل بر مرتبه‌ای از فزونی دلالت دارد و وی در تبیین کاربرد قرآنی آن خیر، کمال و صلاح را از لوازم این فزونی برمی‌شمارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۱۰، ص۲۷ـ۲۸).

بررسی آرای لغویان نشان می‌دهد که اصل معنای مادهٔ «کثر» در طول سنت لغوی، همواره بر «فزونی و زیادی در برابر قلت» استوار بوده و در این اصل تحول اساسی رخ نداده است. آنچه در گذر زمان دچار گسترش شده نحوه تبیین کاربرد قرآنی واژهٔ «کوثر» است. بدین‌سان اهل لغت با تأثر از سنت تفسیری و با توجه به سیاق آیه، در کنار هستهٔ معنایی «کثرت» به مؤلفه‌هایی چون «خیر فراوان» و لوازم معنایی آن نیز توجه کرده‌اند. ازاین‌رو آنچه در این سیر تاریخی مشاهده می‌شود، نه تحول در معنای لغوی «کوثر»، بلکه تکامل در فهم و تبیین دلالت‌های این واژه در کاربرد قرآنی آن است. بر همین اساس در این پژوهش «کثرت» به‌عنوان هستهٔ معنای لغوی واژه پذیرفته می‌شود و مؤلفه‌هایی مانند «خیر» و «استمرار» در چارچوب کاربرد قرآنی و با اتکا به سیاق سوره، فضای نزول و شواهد تفسیری بررسی خواهد شد.

بررسی آرای لغویان درباره مادهٔ «بتر» نیز نشان می‌دهد که نحوه تبیین کاربرد این واژه، به‌ویژه در پرتو آیهٔ سوم سورهٔ کوثر به‌تدریج گسترده‌تر شده است. فراهیدی «بتر» را به قطع دم و مانند آن از ریشه معنا می‌کند و با تعبیر «إذا استأصلته» بر قطع کامل و استیصال تأکید می‌ورزد. وی در ادامه، واژهٔ أبتر را بر انسانی که «لا عقب له» است نیز

اطلاق می‌کند و بدین‌ترتیب در کنار معنای اصلی قطع، یکی از کاربردهای این واژه در مورد فرد فاقد نسل بیان شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۸، ص۱۱۸). ابن‌درید دامنهٔ تبیین کاربرد قرآنی این واژه را گسترش می‌دهد و هر نوع قطع و جدایی را ذیل مادهٔ «بتر» قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو أبتر به مفهومی عام برای هرگونه انقطاع تبدیل می‌شود (ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج۱، ص۲۵۳).

ازهری با تأثر از تفسیر آیهٔ سوم سورهٔ کوثر، افزون بر انقطاع نسل، احتمال انقطاع از خیر را نیز در تبیین واژهٔ مورد بحث مطرح می‌کند و بدین‌وسیله دامنهٔ تفسیر این واژه را گسترش می‌دهد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج۱۴، ص۱۴). جوهری و ابن‌فارس با تعریف «قطع پیش از اتمام»، عنصر «ناتمام ماندن» را به هستهٔ معنایی این ماده می‌افزایند؛ ازاین‌رو هر امری که پیش از رسیدن به غایت طبیعی خود دچار گسست شود «أبتر» خواهد بود (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج۲، ص۵۸۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص۱۹۵).

ابن‌سیده در تبیین این واژه، افزون بر «لا عقب له»، معانی منقطع از خیر، خاسر و معدم را نیز ذکر می‌کند (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج۹، ص۴۸۴). سرانجام مصطفوی با جمع‌بندی همهٔ این دیدگاه‌ها، اصل ماده را قطع در برابر اتمام می‌داند؛ خواه این قطع مادی باشد یا معنوی. ازاین‌رو تعبیر قرآنی «إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَر» تنها بر فقدان نسل دلالت ندارد، بلکه ناظر به کسی است که از هرگونه امتداد طبیعی محروم است؛ به‌گونه‌ای‌که «لا یبقی منه حسن ذکر ولا نسل جمیل»؛ نه یاد نیکی از او باقی می‌ماند و نه نسل شایسته‌ای (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج۱، ص۲۲۷).

برآیند بررسی آرای لغویان نشان می‌دهد که در تبیین کاربرد قرآنی سورهٔ کوثر، دو ریشهٔ «کثر» و« بتر» به‌عنوان دو مفهوم متقابل مورد توجه لغویان قرار گرفته‌اند. در این میان اصل معنای «کوثر» بر کثرت و فزونی و اصل معنای «بتر» بر قطع و انقطاع استوار مانده است؛ اما لغویان به‌ویژه با تأثر از سنت تفسیری، در تبیین کاربرد این دو واژه در سورهٔ کوثر، دلالت‌های گسترده‌تری برای آنها بیان کرده‌اند. بدین‌سان «کوثر» افزون بر هستهٔ معنایی کثرت، در کاربرد قرآنی خود با مفهوم خیر فراوان پیوند یافته و برخی لغویان نیز با توجه به سیاق سوره، دوام و امتداد این خیر را از لوازم آن دانسته‌اند؛ همان‌گونه که «أبتر» نیز افزون بر انقطاع نسل، بر محرومیت از خیر، اثر و حسن ذکر حمل شده است. ازاین‌رو فهم تقابل این دو واژه در سورهٔ کوثر، مستلزم توجه هم‌زمان به هستهٔ معنای لغوی و دلالت‌های تفسیری آنها در پرتو سیاق سوره و فضای نزول است.

۲. تحلیل ظاهر و سیاق آیات سورهٔ کوثر

یکی از مهم‌ترین قرائن در فهم مقصود سورهٔ کوثر توجه به ظاهر الفاظ و انسجام سیاق سه آیهٔ آن است. سوره از سه گزاره متوالی تشکیل شده که هر یک در پیوند مستقیم با دیگری معنا می‌یابد و مجموعه‌ای واحد را شکل می‌دهد. ازاین‌رو تعیین مراد از «الکوثر» باید در چارچوب همین ساختار درونی صورت گیرد.

سوره با جملهٔ تأکیدی «إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ» آغاز می‌شود. صدر آیه با «إِنَّ» و اسناد فعل به ضمیر «نا» بر قطعیت

و اهمیت عطای الهی دلالت دارد. نکتهٔ مهم‌تر استعمال فعل ماضی «أَعْطَيْنَا» است. در استعمال قرآنی فعل ماضی در اصل بر تحقق و وقوع دلالت می‌کند، مگر آنکه قرینه‌ای بر آینده وجود داشته باشد؛ درحالی‌که در این سوره هیچ قرینهٔ لفظی یا سیاقی بر حمل فعل بر آینده دیده نمی‌شود. بنابراین ظاهر آیه اقتضا می‌کند که «الکوثر» نعمتی باشد که در هنگام نزول سوره، اصل تحقق آن برای پیامبر اکرمﷺ حاصل شده باشد، هرچند آثار و برکات آن در آینده استمرار یابد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳۲، ص۳۱۱).

این نکته با تحلیل لغوی واژهٔ «کوثر» نیز هماهنگ است؛ زیرا همان‌گونه که بررسی منابع لغوی نشان داد، هستهٔ معنایی این واژه بر کثرت و فزونی استوار است و در تبیین کاربرد قرآنی آن با تأثر از سنت تفسیری، مفهوم خیر فراوان نیز برای آن مطرح شده است. از سوی دیگر، تقابل «الکوثر» با «الأبتر» در سیاق سوره، این برداشت را تقویت می‌کند که عطیهٔ الهی یادشده، صرفاً خیری زودگذر نیست، بلکه منشأ آثاری است که در برابر مفهوم انقطاع، امتداد و بقا می‌یابند. بر این اساس، فعل ماضی «أَعْطَيْنَا» از تحقق اصل عطا در زمان نزول خبر می‌دهد، درحالی‌که استمرار آثار این عطیه از مجموعه سیاق سوره فهمیده می‌شود؛ بنابراین میان تحقق اصل عطا و تداوم آثار آن هیچ تعارضی وجود ندارد.

پس از بیان عطا، آیهٔ دوم با تعبیر «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود. حرف «فاء» در آغاز آیه، رابطهٔ مستقیم میان عطای الهی و فرمان عبادی را نشان می‌دهد و دلالت می‌کند که نماز و نحر، نتیجه و مقتضای همان نعمت الهی‌اند. ازاین‌رو ساختار سوره از خبر به انشاء منتقل می‌شود؛ یعنی پس از اعلام نعمت، وظیفهٔ شکرگزاری و اظهار عبودیت بیان می‌شود. قید «لِرَبِّكَ» نیز با تقدیم جار و مجرور، بر اخلاص در عبادت تأکید دارد و قربانی را از آیین‌های شرک‌آلود جاهلی جدا می‌سازد. بدین‌ترتیب آیهٔ دوم صرفاً فرمان به انجام دو عمل عبادی نیست، بلکه نحوه مواجهه با عطای الهی را نیز ترسیم می‌کند؛ نعمتی که شکر آن عبادت خالصانه است، نه تفاخر و خودبینی.

آیهٔ پایانی سوره «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»، حلقهٔ تکمیل‌کننده ساختار سوره است. تکرار «إِنَّ» بر قطعی بودن این خبر الهی تأکید می‌کند و ضمیر فصل «هُوَ» نیز مفید حصر است؛ بدین معنا که در حقیقت، دشمن پیامبرﷺ است که «أبتر» خواهد بود. از نظر سیاقی این آیه در تقابل مستقیم با آیهٔ نخست قرار دارد؛ آغاز سوره از اعطای «الکوثر» سخن می‌گوید و پایان آن وصف «الأبتر» را به دشمن پیامبرﷺ اختصاص می‌دهد. ازاین‌رو این دو واژه محور تقابل معنایی سوره را تشکیل می‌دهند.

با توجه به این پیوند سیاقی «الکوثر» در آیهٔ نخست را نمی‌توان جدا از خبر پایانی سوره فهم کرد. عطیه‌ای که در آغاز سوره به پیامبرﷺ اعلام می‌شود، در برابر وصف «الأبتر» که در پایان به دشمن آن حضرت نسبت داده شده، قرار می‌گیرد. بنابراین سیاق سوره اقتضا می‌کند که این عطیه افزون بر تحقق در زمان نزول، دارای خیر و فزونی باشد و آثاری پدید آورد که در برابر انقطاع و زوال قرار گیرد. به بیان دیگر، ارتباط دو آیهٔ نخست و سوم نشان می‌دهد که «الکوثر» تنها یک نعمت برخوردار از کثرت نیست، بلکه عطیه‌ای است که آثار آن قابلیت امتداد و ماندگاری دارد.

بر پایهٔ این انسجام سیاقی، ظاهر سوره اقتضا می‌کند که «الکوثر» نعمتی باشد که دست‌کم سه ویژگی اساسی را دارا باشد: نخست تحقق اصل آن در زمان نزول سوره؛ دوم برخورداری از خیر و کثرت و سوم منشأ بودن برای آثاری که در برابر مفهوم انقطاع، استمرار و امتداد می‌یابند. ازاین‌رو هر یک از مصادیقی که در تفاسیر برای «کوثر» پیشنهاد شده‌اند، باید بر اساس این معیارها ارزیابی شوند. البته این مؤلفه‌ها به‌تنهایی برای تعیین مصداق نهایی کافی نیستند، بلکه در کنار قرائن تاریخی، اجتماعی، شأن نزول و فضای فرهنگی عصر جاهلی، چارچوبی منسجم برای ارزیابی دیدگاه‌های تفسیری فراهم می‌آورند. بنابراین ظاهر و سیاق سوره پیش از آنکه مصداق «کوثر» را تعیین کند، معیارهای لازم برای سنجش و ارزیابی مصادیق را در اختیار مفسر قرار می‌دهد.

۳. پیش‌زمینهٔ تاریخی و اجتماعی نزول سورهٔ کوثر

فهم دقیق سورهٔ کوثر بدون بازسازی فضای تاریخی و اجتماعی عصر نزول آن، با دشواری همراه است؛ زیرا مفاهیم بنیادین این سوره به‌ویژه «الکوثر» و «الأبتر» در بستری نازل شده‌اند که نظام ارزشی جامعه جاهلی بر پایهٔ عصبیت قبیله‌ای، کثرت نفرات، فزونی مال، استمرار نسل ذکور و آیین‌های شرک‌آلود استوار بود. در چنین جامعه‌ای منزلت افراد نه بر اساس فضیلت‌های اخلاقی و معنوی، بلکه بر مبنای شمار فرزندان پسر، گستردگی قبیله، ثروت و توان نظامی سنجیده می‌شد. ازاین‌رو بقای هر شخص نیز در امتداد نسل ذکور معنا می‌یافت و کسی که فرزند پسر نداشت، از نگاه جامعه فاقد آینده اجتماعی و تاریخی تلقی می‌شد. تعبیر «أبتر» در چنین فضایی صرفاً به‌معنای نداشتن فرزند نبود، بلکه مفهومی ارزشی بود که از انقطاع منزلت، نفوذ، اعتبار و استمرار اجتماعی حکایت می‌کرد (بلخی، ۱۴۲۳، ج۴، ص۸۸۰؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج۱۰، ص۳۰۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰، ص۳۷۲).

قرآن کریم پیش از نزول سورهٔ کوثر، بارها این نظام ارزشی را مورد نقد قرار داده بود. در سورهٔ قلم از مخالفی یاد می‌کند که یکی از عوامل غرور و استکبار او برخورداری از مال و فرزندان بود: «أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ» (قلم: ۱۴). همچنین در سورهٔ مدثر که از سوره‌های مکی و پیش از کوثر است، خداوند درباره ولید بن مغیره می‌فرماید: «وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَنِينَ شُهُودًا» (مدثر: ۱۲ـ۱۳)؛ یعنی فراوانی مال و حضور فرزندان را از نعمت‌های الهی می‌شمارد، اما نشان می‌دهد که همین نعمت‌ها هنگامی‌که معیار برتری و استکبار قرار گیرند، زمینهٔ انحراف انسان را فراهم می‌کنند. بدین‌سان قرآن از آغاز دعوت مکی، معیارهای رایج قدرت و منزلت را که بر مال و فرزندان استوار بود، به چالش کشیده و درصدد جایگزین کردن معیارهای الهی برآمده است.

از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این فرهنگ، نگرش تحقیرآمیز به دختران بود. در جامعهٔ جاهلی، دختر نه‌تنها ارزش اجتماعی نداشت، بلکه در مواردی مایهٔ ننگ خانواده به‌شمار می‌رفت. ترجیح فرزندان پسر، محرومیت دختران از حقوق انسانی و حتی زنده‌به‌گور کردن آنان از پیامدهای چنین نگرشی بود (حوفی، بی‌تا، ص۲۹۶–۲۹۸؛ علی، ۱۹۷۶، ج۵، ص۸۹ـ۹۰؛ پیشوایی و پیشوایی، ۱۳۸۹، ص۵۱). قرآن کریم این فرهنگ را پیش از نزول سورهٔ

کوثر به‌شدت محکوم کرده است. در سورهٔ تکویر که از سوره‌های مکی و پیش از کوثر است، می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۸ـ۹). نکتهٔ قابل توجه آن است که قرآن، دختر زنده‌به‌گورشده را در جایگاه مدعی و پرسشگر قرار می‌دهد، نه خانواده یا قاتل را؛ بدین معنا که اصل نظام ارزشی جاهلیت را به محاکمه می‌کشد. همچنین در سورهٔ نحل می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸ـ۵۹) و اندوه و شرمساری آنان از تولد دختر را به‌شدت نکوهش می‌کند. این آیات نشان می‌دهد که اصلاح جایگاه زن، بخشی از برنامه فرهنگی قرآن در دوره مکی بوده است.

در همین راستا قرآن روحیهٔ تفاخر به کثرت افراد و نفرات را نیز مردود می‌شمارد. هرچند سورهٔ تکاثر پس از سورهٔ کوثر نازل شده است، اما بازتاب‌دهندهٔ فرهنگ رایج جاهلی است که ارزش انسان را در شمار افراد قبیله و امتداد نسب می‌دید: «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج۴، ص۸۱۹؛ فراء، ۱۹۸۰، ج۳، ص۲۸۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج۳۰، ص۱۸۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج۱۰، ص۲۷۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۷۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳۲، ص۲۷۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۸۱۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص۵۹۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰، ص۳۵۱). بنابراین جامعه‌ای که «کثرت» را در شمار نفرات و فرزندان خلاصه می‌کرد، طبیعی بود که فقدان فرزند پسر را مساوی با «أبتر» بودن بداند.

در چنین بستری پس از وفات عبدالله فرزند پیامبر اکرمﷺ، عاص بن وائل آن حضرت را «أبتر» خواند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج۴، ص۸۸۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج۱۰، ص۳۰۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج۲۰، ص۴۲۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج۴، ص۴۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۸۳۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج۷، ص۵۳۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰، ص۳۷۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج۲۷، ص۳۶۸). این تعبیر بازتاب همان منطق قبیله‌ای بود که بقا را در نسل ذکور می‌دید. پاسخ قرآن نیز صرفاً دفاع از شخصیت پیامبرﷺ نبود، بلکه نقد بنیان‌های این نظام ارزشی به‌شمار می‌رفت. خداوند در برابر داوری جامعهٔ جاهلی، از عطیه‌ای سخن گفت که حقیقت آن «کوثر» است؛ عطیه‌ای که معیارهای جاهلیِ ارزش، بقا و استمرار را دگرگون می‌سازد.

در میان دیدگاه‌های تفسیری، برخی از مفسران با استناد به روایات، «الکوثر» را بر ذریهٔ پیامبر اکرمﷺ از طریق حضرت فاطمهٔ زهراؑ تطبیق کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶ق، ج۱۰، ص۳۶۲؛ شبر، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۵۶۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰، ص۳۷۰؛ سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲، ج۱، ص۶۰۲). بر پایهٔ این تفسیر، استمرار نسل پیامبرﷺ از طریق حضرت فاطمهؑ پاسخی عینی به پندار جاهلی درباره «أبتر» بودن آن حضرت به‌شمار می‌آید. افزون بر این، با توجه به جایگاه دختر در فرهنگ جاهلی، این دیدگاه ظرفیت آن را دارد که سورهٔ کوثر را در چارچوب تحول معیارهای ارزشی جامعهٔ جاهلی نیز تبیین کند. بااین‌حال میزان انطباق این تفسیر با ظاهر آیات، سیاق سوره و دیگر قرائن لغوی و تاریخی، نیازمند بررسی مستقل است که در بخش ارزیابی دیدگاه‌های تفسیری بدان پرداخته خواهد شد.

تحول فرهنگی سورهٔ کوثر تنها به اصلاح نگاه به زن محدود نمی‌شود، بلکه مفهوم عبادت را نیز بازتعریف می‌کند.

در جامعهٔ جاهلی، قربانی غالباً برای بت‌ها انجام می‌شد و خون قربانی بر سنگ‌های مقدس ریخته می‌شد تا رضایت معبودهای ساختگی جلب شود (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۴۵۲؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج۶، ص۴۹). در برخی فرهنگ‌های باستانی نیز حتی قربانی کردن فرزند، عالی‌ترین مرتبهٔ تقرب به معبود تلقی می‌شد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۳۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۷، ص۳۶۱؛ دوم پادشاهان ۳: ۲۶ـ۲۷؛ لاویان ۱۷: ۱۱). در چنین فضایی فرمان «فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ»، تنها توصیه‌ای عبادی نیست؛ بلکه اصلاحی بنیادین در فلسفهٔ قربانی است. قید «لِرَبِّکَ»، هرگونه انگیزهٔ شرک‌آلود، جادویی و معامله‌گرانه را نفی کرده و قربانی را به نماد بندگی خالص، توحید و شکرگزاری از عطای الهی تبدیل می‌کند.

بر این اساس، سورهٔ کوثر را باید فراتر از پاسخی به طعن عاص بن وائل دانست. این سوره حلقه‌ای از جریان اصلاح فرهنگی قرآن در دوره مکی است که با نقد معیارهای جاهلی قدرت، مال، فرزند، جنسیت و عبادت، نظام ارزشی تازه‌ای را بنیان می‌نهد. در این نظام، کرامت و بقا نه بر پایهٔ کثرت نفرات و استمرار نسل ذکور، بلکه بر محور عطیهٔ الهی، ایمان، عبودیت و اراده خداوند معنا می‌شود. ازاین‌رو فهم «الکوثر» نیز تنها در پرتو این منظومهٔ فکری امکان‌پذیر است و باید آن را در چارچوب همین تحول بنیادین فرهنگی و اعتقادی تحلیل کرد.

۴. دیدگاه‌های مفسران درباره مصداق «کوثر» و تحلیل آن

مفسران قرآن درباره مراد از «الکوثر» دیدگاه‌های متعددی ارائه کرده‌اند. گروهی با استناد به روایات، «کوثر» را نهری در بهشت دانسته‌اند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج۴، ص۸۷۹؛ قمی، ۱۳۶۷، ج۲، ص۴۴۵؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج۵، ص۴۲۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۴۸۰؛ ابن‌هاشم، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۳۵۳؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج۱، ص۱۶۸؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج۴، ص۲۷۷). برخی دیگر آن را بر حوض در قیامت حمل کرده‌اند (تستری، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۲۰۷). هرچند این دو دیدگاه بر روایات متعددی استوار است، اما با ظاهر آیهٔ «إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْكَوْثَرَ» انطباق کامل ندارد؛ زیرا فعل ماضی «أَعْطَيْنَا» بر تحقق عطا در هنگام نزول سوره دلالت دارد، درحالی‌که نهر و حوض از نعمت‌هایی هستند که ظهور کامل آنها در آخرت خواهد بود (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۰، ص۱۸۲). ازاین‌رو این دو را می‌توان از آثار و جلوه‌های «کوثر» دانست، نه تمام حقیقت آن.

دسته‌ای دیگر از مفسران بدون تعیین مصداقی خاص «کوثر» را به «خیر کثیر» تفسیر کرده‌اند (سمرقندی، بی‌تا، ج۳، ص۶۲۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳۲، ص۳۰۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۵، ص۳۴۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج۶، ص۵۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج۵، ص۳۸۲) و مصادیقی همچون جمیع خیرات، نبوت، قرآن، علم، حکمت، شفاعت، نهر بهشتی و حوض پیامبر اکرمﷺ را ازجمله جلوه‌ها و تفسیرهای مفهوم «کوثر» برشمرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص۵۰۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج۴، ص۲۷۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۱۴، ص۳۶۲؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج۹، ص۵۵۴). این دیدگاه اگرچه با هستهٔ معنایی لغوی واژهٔ «کوثر» هماهنگ است، اما ازآنجاکه معیار

روشنی برای ترجیح یکی از این مصادیق ارائه نمی‌کند، بیش از آنکه در مقام تعیین مراد آیه باشد، به تبیین مفهوم کلی «خیر کثیر» پرداخته است.

در میان مصادیق پیشنهادی، قرآن کریم نیز از برجسته‌ترین مصادیق خیر الهی به‌شمار می‌رود؛ زیرا سرچشمهٔ هدایت، رحمت و بقای دین است. بااین‌حال، اگر سیاق سوره و فضای نزول ملاک ارزیابی قرار گیرد، این احتمال با دشواری‌هایی روبه‌رو است. مهم‌ترین مسئله، آن است که آیهٔ پایانی سوره در پاسخ به طعن «إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ»، تقابل مستقیمی میان «الکوثر» و «الأبتر» برقرار کرده است. در فضای فرهنگی مکه «أبتر» ناظر به انقطاع نسل و فقدان استمرار اجتماعی پیامبرﷺ بود؛ ازاین‌رو انتظار می‌رود عطیه‌ای که در آغاز سوره در برابر این طعن قرار گرفته، پاسخی مستقیم به همان ادعا باشد. هرچند قرآن منشأ هدایت و بقای دین است، اما به‌تنهایی پاسخ مستقیمی به ادعای مشرکان درباره انقطاع نسل پیامبرﷺ محسوب نمی‌شود؛ زیرا محور نزاع، اصل وحی یا هدایت نبود، بلکه استمرار وجود تاریخی و اجتماعی پیامبرﷺ در فرهنگ قبیله‌ای عرب بود. ازاین‌رو اگرچه قرآن بی‌تردید از بزرگ‌ترین جلوه‌های خیر کثیر الهی است، اما با توجه به پیوند درونی آیات سوره، شأن نزول، نظام ارزشی جامعهٔ جاهلی و تقابل «الکوثر» و «الأبتر» به نظر نمی‌رسد مصداق مورد نظر در این سوره باشد.

در مقابل برخی از مفسران با استناد به روایات و با توجه به شأن نزول و ارتباط آیات سورهٔ «کوثر» را بر حضرت فاطمهٔ زهراﷺ یا ذریهٔ پیامبر اکرمﷺ که از طریق ایشان استمرار یافته است، تطبیق کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶ق، ج۱۰، ص۳۶۲؛ شبر، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۵۶۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰، ص۳۷۰؛ سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲، ج۱، ص۶۰۲). امتیاز این دیدگاه آن است که نسبت به دیگر اقوال، هماهنگی بیشتری با تقابل «الکوثر» و «الأبتر» دارد و استمرار نسل پیامبرﷺ را پاسخی عینی به طعن مشرکان درباره انقطاع آن حضرت می‌داند. بااین‌حال در پاره‌ای از تقریرهای این دیدگاه، میان «عطیهٔ الهی» و آثار و برکات آن تفکیک روشنی صورت نگرفته است؛ به‌گونه‌ای‌که گاه ذریه و استمرار نسل، عین «کوثر» تلقی شده‌اند، درحالی‌که ظاهر آیه از اعطا «کوثر» به پیامبر اکرمﷺ سخن می‌گوید و استمرار نسل، بقای اهل‌بیتﷺ و امتداد آثار رسالت، در مرتبهٔ آثار و برکات این عطیه قابل تبیین است.

با وجود اختلاف در تعیین مصداق «کوثر»، وجه مشترک غالب این دیدگاه‌ها تقدم مصداق‌یابی بر تعیین چارچوب معیارهای لازم برای ارزیابی مصادیق است؛ بدین معنا که مصداق «کوثر» در بسیاری از تفاسیر، پیش از آنکه نسبت آن با مجموعه قرائن درون‌سوره‌ای و برون‌سوره‌ای سنجیده شود، بر اساس یک قرینهٔ روایی، لغوی یا تفسیری تعیین شده است. در پژوهش حاضر این ترتیب معکوس شده است؛ به‌این‌معنا که پس از تحلیل ساختار سوره، ظاهر و سیاق آیات و زمینهٔ تاریخی و اجتماعی نزول، معیارهای لازم برای ارزیابی مصادیق تعیین و سپس اقوال تفسیری بر اساس میزان انطباق آنها با این معیارها سنجیده می‌شوند.

نتیجه‌گیری

بررسی آرای لغویان درباره دو واژهٔ «کوثر» و «أبتر»، تحلیل ظاهر و سیاق آیات سورهٔ کوثر و بازسازی پیش‌زمینهٔ تاریخی و اجتماعی نزول سوره نشان داد که مراد از «کوثر» تنها با اتکا به یک دسته از شواهد تفسیری یا روایی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم ملاحظهٔ مجموعه‌ای از قرائن درون‌متنی و برون‌متنی است.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سورهٔ کوثر در پاسخ به طعن مشرکان، صرفاً مسئلهٔ فقدان فرزند ذکور را مطرح نمی‌کند، بلکه نظام ارزش‌گذاری جامعهٔ جاهلی را که بقا و اعتبار را در امتداد نسب و کثرت قبیله می‌دانست، به چالش می‌کشد. در پرتو این تحلیل «کوثر» بر عطیه‌ای الهی دلالت دارد که مؤلفه‌های کثرت، خیر و استمرار را در خود جمع کرده است. بر این اساس حضرت فاطمهٔ زهرا﵄ مصداق این عطیهٔ الهی هستند و استمرار نسل نبوی، بقای اهل‌بیت﵈ و تداوم آثار رسالت، از برکات و ثمرات این عطیه به‌شمار می‌آیند، نه آنکه خود حقیقت کوثر باشند.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

آل‌غازی، ملاحویش عبدالقادر (۱۳۸۲ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن‌جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). *التسهیل لعلوم التنزیل*. بیروت: دارالارقم بن ابی‌الارقم.

ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). *زاد السیر فی علم التفسیر*. بیروت: دارالکتاب العربی.

ابن‌درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحیط الاعظم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن‌فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی‌تا). *تأویل مشکل القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.

ابن‌هاشم، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۴۲۳ق). *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*. بیروت: دارالغرب الاسلامی.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار الاحیاء التراث.

بیضاوی، عبداله بن عمر(۱۴۱۸ ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: داراحیاء التراث العربی

پیشوایی، مهدی و پیشوایی، فریده (۱۳۸۹). گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام. *تاریخ در آینه پژوهش*، ۳، ۴۹ـ۷۴.

تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). *تفسیر تستری*. بیروت: منشورات محمدعلی بیضون.

ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. بیروت: دارالعلم للملایین.

حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. تهران: میقات.

حسینی نودادی، عبدالرسول و مرادی علیعربی، امین (۱۴۰۲). واکاوی مصداق «الکوثر» هنگام نزول سورهٔ کوثر در تفاسیر عقلی فریقین. *قرآن‌پژوهی*، ۷، ۱۲۵ـ ۱۵۶.

حقی، شهلا و همکاران (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی تفاسیر معاصر فریقین قرن ۱۴ و ۱۵ در مفهوم کوثر. *پژوهشنامه تفسیر مقارن*. ۲، ۶۱–۹۰.

حوفی، احمد محمد (بی‌تا). *المرأة فی الشعر الجاهلی*. بیروت: دارالفکر العربی.

رستم‌نژاد، مهدی و جبرییلی، هجرت‌الله (۱۳۹۹). تفسیر تطبیقی روایی سوره کوثر از دیدگاه مفسران فریقین. *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*، ۱۲، ۳۷–۵۴.

زمخشری، احمد (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: داراکتاب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی‌تا). *بحر العلوم*. بی‌جا: بی‌نا.

سیدکریمی حسینی، سیدعباس (۱۳۸۲). *تفسیر علیین*. قم: اسوه.

شبر، سیدعبدالله (۱۴۱۲ق). *تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دارالبلاغهٔ للطباعهٔ و النشر.
شریفی‌دوست، حمزه (۱۴۰۰). تطور تاریخی دیدگاه مفسران در تفسیر واژه کوثر. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۶۹، ۲۴۴_۲۵۶.
شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *فتح القدیر*. دمشق: دار ابن‌کثیر.
شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. تهران: بنیاد دائرهٔالمعارف اسلامی.
طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعهٔ مدرسین.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفهٔ.
عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*. قم: دارالقرآن الکریم.
علی، جواد (۱۹۷۶م). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فراء، ابوزکریا یحیی بن زیاد (بی‌تا). *معانی القرآن*. مصر: دار المصریهٔ للتألیف و الترجمه.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*. تهران: هجرت.
فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: الصدر.
قاسمی، محمدجمال‌الدین (۱۴۱۸ق). *محاسن التأویل*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
قضایی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۸). بررسی مصداق کوثر در سوره کوثر در تفاسیر روایی شیعه و سنی. *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، ۱۰، ۱۲۹_۱۵۰.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶ق). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
کاشانی، ملافتح‌الله (۱۴۲۳ق). *زبدهٔ التفاسیر*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
گنابادی، سلطان‌محمد (۱۴۰۸ق). *تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العبادهٔ*. بیروت: مؤسسهٔ الاعمی للمطبوعات.
مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
نوروزی، رضا و همکاران (۱۴۰۰). تبیین و تحلیل حقیقت حوض کوثر و سرچشمه‌های آن. *معرفت کلامی*، ۲، ۱۶۷_۱۸۴.
نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.